

Legal Analysis on the Students' Disciplinary Manual of Style (Approved in 2022) in Terms of the Possibility of Aggravating the First Instance's Judgment in the Appeal Committee

Amin Ghasempour*

Abstract

Article 91 of the students' Disciplinary Manual of Style (approved in 2022 by the Ministry of Science, Research and Technology and the Ministry of Health, Treatment and Medical Education) stipulates: 'After issuing the First instance's judgment and before issuing the appeal sentence, if new documents and evidence are received regarding the current violation, the appeals committee can aggravate the conviction stated in the First instance's judgment.' This provision is criticized from two aspects: one is the possibility of aggravating the First instance's judgment in itself, and the other (according to its apparent absoluteness) is the possibility of intensifying the punishment, without providing the "opportunity" and "possibility" of defense for the student. In this article, the author, while explaining the mentioned criticisms, examined the possible solutions in the current situation and came to the conclusion that the first objection requires modification of the Disciplinary Manual of Style by the approvers, and the second objection is to a large extent modified in the light of other definitive principles of criminal procedure and some of the articles of the Disciplinary Manual of Style itself.

Keywords

Disciplinary Committee, Disciplinary Manual of Style, Appeal, Aggravation.

* PhD in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
amin.Ghasempour@ut.ac.ir

تحلیل حقوقی شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان (مصوب سال ۱۴۰۱) از حیث امکان تشدید احکام کمیته بدوی در مرحله تجدیدنظر

امین قاسم‌پور*

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

ماده ۹۱ شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب سال ۱۴۰۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر می‌دارد «چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک، ادله و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروحه دریافت شود، کمیته تجدیدنظر می‌تواند نسبت به تشدید و صدور رأی اقدام نماید». این حکم از دو بعد مورد نقد است. یکی، اصل امکان تشدید حکم بدوی و دیگری (با توجه به اطلاق ظاهری آن)، امکان تشدید مجازات بدون فراهم شدن «فرصت» و «امکان» دفاع برای دانشجو. نگارنده در این مقاله، ضمن تشریح انتقادات یادشده، به بررسی راهکارهای ممکن در وضعیت کنونی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ایراد نخست نیازمند اصلاح شیوه‌نامه توسط تصویب‌کنندگان است و ایراد دوم در پرتوی دیگر اصول مسلم دادرسی کیفری و نیز برخی از مواد خود شیوه‌نامه انضباطی تا حدود زیادی قابل تعدیل است.

واژگان کلیدی

کمیته انضباطی، شیوه‌نامه، تجدیدنظر، تشدید حکم.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
amin.Ghasempour@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از بافتارهایی که در آن‌ها حقوق و منافع اشخاص اهمیت ویژه می‌یابد، روند رسیدگی به اموری است که جنبه اتهامی و تنبیهی دارد و کمیته انضباطی دانشجویان یکی از مصادیق چنین زمینه‌هایی است و به‌نوعی بستر اجرایی این روند به شمار می‌آید. از آنجاکه احکام صادره از این کمیته‌ها می‌تواند در حقوق دانشجویان واجد آثار جدی باشد (میکاییلی منیع و مددی امام‌زاده، ۱۳۸۷؛ بیرامی، ۱۳۸۹)، بدیهی است مقررات و آیین‌های حاکم بر این کمیته‌ها باید دست‌کم با اصول مسلم دادرسی و حقوق متهم هم‌سو و فاقد تعارض باشد تا مبادا شاهد صدور آرای سلیقه‌ای، سوگیرانه یا غیرعالمانه باشیم (قلمکار، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

مقررات حاکم بر کمیته‌های انضباطی عمدتاً آیین‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی و شیوه‌نامه اجرایی آن است. شیوه‌نامه مزبور نیز تاکنون چند مرتبه به تصویب رسیده و هر بار شیوه‌نامه پیشین را جزئاً یا کلاً نسخ کرده است. توضیح اینکه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تاریخ ۱۳۶۴/۰۵/۰۱ با تدوین مصوبه شش‌ماده‌ای، هیئت‌هایی را برای رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان ایجاد و مصادیق تخلفات را نیز مشخص کرد. این مصوبه، دستخوش تغییرات متعددی شد و ترکیب هیئت‌ها و دیگر مواد آن دچار تغییراتی شد تا اینکه سرانجام در مصوبه جلسه ۳۵۸ به تاریخ ۱۳۷۴/۰۶/۱۴، آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران توسط این شورا به تصویب رسید که نسبت به مصوبات پیش تفصیل بیشتری داشت. گفتنی است که سه سال بعد در مصوبه‌های ۴۲۹ و ۴۳۰ این شورا مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۲۱ و ۱۳۷۷/۰۸/۰۵، تغییرات دیگری در آیین‌نامه از جمله در ترکیب اعضا داده شد. در ماده ۱۳ مصوبه سال ۱۳۷۴، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (وزارت علوم) و وزارت بهداشت مکلف شدند ظرف یک ماه، شیوه‌نامه اجرایی این قانون را تدوین کنند تا همه دانشگاه‌های کشور از آن تبعیت کنند، اما وزارتخانه‌های مورد اشاره تا مدت‌ها به این تکلیف عمل نکردند تا اینکه سرانجام این شیوه‌نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۱۶ توسط آن دو وزارتخانه تهیه و به دانشگاه‌های سراسر کشور ابلاغ و در آن به‌جای عبارت «کمیته انضباطی» از واژه «شورای انضباطی» استفاده شد. از آن پس نیز الگوی عملکرد شوراهای انضباطی محل بحث‌های مختلفی قرار گرفت (لطیفی، چگین و فرجی، ۱۳۸۹: ۶۸ به بعد).

صرف‌نظر از آیین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شیوه‌نامه سال ۱۳۸۸، مصوبه دیگری در سال ۱۳۹۵ به نام «دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان» به تصویب وزارت علوم رسید که «می‌توان آن را نوعی آیین دادرسی اداری برای این مراجع محسوب کرد.... باید اذعان نمود که این متن، گامی مهم در آیین دادرسی اداری و مسائل مربوط به دادگاه‌های اداری محسوب می‌شود؛ زیرا برای نخستین بار، جمعی از حقوق‌دانان حقوق عمومی و متخصصین

حقوق اداری با همکاری وزارت علوم، مطالب مهمی را در این دستورالعمل جای دادند» (مرادخانی و محمودی، ۱۳۹۹: ۱۸۹). در مرحله بعد، در مرداد سال ۱۳۹۸، شیوه‌نامه جدیدی به استناد مصوبات ۴۲۹ و ۴۳۰ و آیین‌نامه سال ۱۳۷۴ به تصویب دو وزارتخانه یادشده رسید و جایگزین شیوه‌نامه سال ۱۳۸۸ و دستورالعمل سال ۱۳۹۵ شد. این مصوبه در واقع، با مبنا قرار دادن دستورالعمل سال ۱۳۹۵، تغییراتی را در آن اعمال کرد؛ هرچند انتقاداتی نیز به آن وارد شده بود (اسکافی، ۱۳۹۸: ۱۲۹ به بعد).

پس از شیوه‌نامه بالا، در آخرین تحول در این باره، شیوه‌نامه‌ای جدید در آبان سال ۱۴۰۱ به تصویب همان دو وزارتخانه رسید و «کلیه مقررات، مصوبات و بخش‌نامه‌های داخلی هریک از وزارتین که پیش از این صادر گردیده» بود، از جمله شیوه‌نامه قبلی را نسخ کرد (از این پس در این مقاله برای رعایت اختصار، از شیوه‌نامه مصوب سال ۱۴۰۱ به «شیوه‌نامه جدید» یاد می‌کنیم). این شیوه‌نامه که در راستای انطباق هرچه بیشتر با «آیین‌نامه»، عبارت «کمیته انضباطی» را (به جای عبارت «شورای انضباطی» که در شیوه‌نامه قبلی ابداع شده بود) به کار گرفت، نسبت به شیوه‌نامه‌های قبلی در بسیاری از موارد (مانند حق داشتن وکیل، حق امحا شدن سوابق انضباطی یا درخواست امحای آن‌ها در پایان تحصیل و...) سکوت اختیار کرده است. از این رو این پرسش را (که البته خارج از موضوع مقاله است) در ذهن ایجاد می‌کند که آیا این سکوت (حذف برخی از حقوق مقرر در شیوه‌نامه‌های پیشین) در مقام بیان بوده است یا خیر؟ به طور کلی، شیوه‌نامه سال ۱۴۰۱ در مواردی، بدعت‌هایی تأسف‌بار (مانند تسری حالت تعلیق احکام انضباطی به مقاطع تحصیلی بالاتر) و به ندرت تعارضاتی شگفت‌انگیز را بنیان نهاده است. این وضعیت در «خوش‌بینانه‌ترین» حالت، حاکی از بی‌دقتی و بی‌مبالاتی کارشناسان و دست‌اندرکاران تصویب شیوه‌نامه است.

گفتنی است در خصوص «شیوه‌نامه جدید» تا این تاریخ، پژوهش رسمی که بتوان آن را به عنوان پیشینه تحقیق در نظر گرفت، دیده نشد، اما گزارش‌ها و نقدهای متفرقه‌ای در پایگاه‌های خبری درباره آن درج شده است.

آنچه در این پژوهش درصدد بررسی آن هستیم، بررسی حکم ماده ۹۱ «شیوه‌نامه جدید» است که مقرر می‌دارد «چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک، ادله و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروحه دریافت شود، کمیته تجدیدنظر می‌تواند نسبت به تشدید و صدور رأی اقدام نماید».

این ماده از دو بعد مورد نقد است. یکی، اصل امکان تشدید مجازات بدوی و دیگری (با توجه به اطلاق ظاهری آن)، امکان تشدید مجازات «بدون فراهم شدن فرصت و امکان دفاع برای

دانشجو» در برابر مستندات جدید که در مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت. در راستای نقد حکم ماده ۹۱ شیوه‌نامه جدید دو طیف از استدلال‌ها را بررسی می‌کنیم. نخست، استدلال پیرامون جواز تشدید حکم در مرحله تجدیدنظر کمیته انضباطی و دوم در نقد و منع آن. سپس درباره اطلاق ماده ۹۱ و امکان تشدید مجازات «بدون اعطای حق دفاع به دانشجو» سخن خواهیم گفت و درنهایت، ضمن تحلیل و بررسی استدلال‌های ارائه‌شده به نتیجه‌گیری می‌پردازیم، اما پیش از عمل به وعده‌های فوق، ابتدا مبانی منع تشدید مجازات در مرحله اعتراض به حکم را به‌صورت گذرا مورد بررسی قرار می‌دهیم. گفتنی است در خلال مباحث و برای تبیین بهتر آن‌ها آرای مراجع مختلف نیز برای مثال و به فراخور بحث، مورد اشاره قرار می‌گیرد. دسترسی به آرای مزبور با جست‌وجوی واژه «تشدید» در «سامانه ملی آرای قضایی» متعلق به پژوهشگاه قوه قضائیه به نشانی <https://ara.jri.ac.ir> حاصل شده است.

۱- مبانی اخلاقی و فلسفی منع تشدید مجازات در مرحله اعتراض به حکم

به عقیده برخی نویسندگان، منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر، یک «قاعده» است. «مطابق این قاعده، وقتی دادستان (و شاکی در نظام ما) حکم دادگاه را پذیرفته‌اند و اعتراضی به آن ندارند، اعتراض محکوم‌علیه برای بهبود وضعیت خود نباید به زیان وی تمام شود و مرجع تجدیدنظر نباید به مجازاتی بیشتر از آنچه دادستان و شاکی بدان رضایت داده‌اند، حکم دهد. مبنای این ممنوعیت این است که متهم از بیم وخیم‌تر شدن وضعیتش از اعتراض به حکم محکومیت خود منصرف نگردد» (خالقی، ۱۴۰۰: ۵۷۴). «محدودیت مذکور بر این پایه استوار است که متهم با دریافت مجازات خفیف‌تر در مرحله بدوی، به‌نوعی حق مکتسب تحصیل کرده [است] و نمی‌توان این حق مکتسب را از او سلب کرد مگر به سبب قانونی» (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۷).

مبنای این حق مکتسب در احترامی است که قانون‌گذار برای متهم در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، «اساس بحث آن است که قانون‌گذار می‌خواهد اعلام کند که صرفاً در مقام انتقام‌جویی از متهم نیست و آنچه را دادگاه بدوی برای وی تعیین کرده [است]، محترم می‌دارد؛ چون اساس رسیدگی، همان رسیدگی نخستین است و مفروض آن است که دادگاه بدوی با لحاظ تمام اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم، مجازات متناسب را برای وی تعیین کرده است. به عکس، اگر این مجازات به نظر دادگاه تجدیدنظر نامتناسب جلوه نماید، دادگاه مزبور می‌تواند آن را تخفیف دهد، اما اگر از حیث قلت نامتناسب نماید، اساساً دادگاه تجدیدنظر حق تشدید آن را ندارد. حتی اگر برای مجازات صبغه انتقام‌جویی را در نظر بگیریم، در پاسخ باید بگوییم که متهم بر اساس میزان مجازاتی که توسط دادگاه بدوی تعیین می‌شود، در معرض انتقام قرار خواهد

گرفت و نباید وی را همیشه در معرض اضطراب قرار داد. مجازاتی که توسط دادگاه بدوی تعیین می‌شود، مابه‌ازای عمل خطاکارانه‌ای است که از متهم سر زده است و نمی‌توان تعیین آن را به نظر دادگاه تجدیدنظر منوط کرد» (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۷). حتی می‌توان گفت سلب این حق مکسب از متهم در مرحله تجدیدنظر، خلاف عدالت است.

براین اساس، تشدید مجازات در صورت تجدیدنظرخواهی متهم ممنوع است؛ به گونه‌ای که قاعده بر عدم تشدید مجازات در این صورت است؛ «چون اگر متهم بداند در صورت تجدیدنظرخواهی ممکن است مجازات وی تشدید شود، در اعمال حق خود دچار تردید می‌شود و ممکن است حق تجدیدنظرخواهی خود را از دست بدهد» (Saifee, 2007: 54). در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، مجازات اساساً جنبه عمومی داشت و شاکی خصوصی حتی بر مجازات نداشت. در جرائم قابل گذشت، اختیار جریان دعوای عمومی با وی بود، اما در میزان مجازات قابل تعیین اساساً حق دخالت نداشت (فقط در جرائم قابل گذشت می‌توانست با گذشت خود باعث شود مجازات درباره متهم یا محکوم علیه اعمال نشود). وی اساساً حق تجدیدنظرخواهی از جنبه کیفری حکم را نداشت و فقط می‌توانست در مورد دعوای خصوصی تجدیدنظرخواهی کند و به همین اعتبار بود که در ماده ۳۴۸ این قانون، تشدید مجازات فقط بر اساس تجدیدنظرخواهی دادستان پیش‌بینی شده بود (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۷). ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که منع تشدید وضعیت معترض پس از اعتراض حتی در اعتراض به نمره برگه امتحانی نیز مطرح شده است (جباری، ۱۳۹۲: ۳۵ به بعد).

۲- ادله مربوط به امکان یا عدم امکان تشدید احکام کمیته انضباطی دانشجویی (از منظر حقوقی)

۲-۱- استدلال موافق با امکان تشدید احکام بدوی کمیته انضباطی

در موافقت با امکان تشدید احکام بدوی کمیته‌های انضباطی می‌توان گفت محکم‌ترین تکیه‌گاه در این راستا، ملاک حکم قانون‌گذار در قانون رسیدگی به تخلفات اداری سال ۱۳۷۲ و تنقیح آن در ما نحن فیه است؛ با این توضیح که کمیته‌های انضباطی در عداد دادگاه‌های اداری و مراجع شبه قضایی تلقی می‌شوند که موضوع آن‌ها «رسیدگی به تخلفات» دانشجویان است و از این رو وجه ممیزه‌ای نسبت به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان ندارند. از سوی دیگر، مقنن در ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان سال ۱۳۷۲ چنین حکم کرده است «اعمال مجازات شدیدتر نسبت به آرای غیر قطعی هیئت‌های بدوی یا آرای نقض شده توسط دیوان عدالت اداری با توجه به مستندات جدید پس از رسیدگی مجدد با توجه به کلیه جوانب امر بلامانع است». این حکم در ماده ۲۸ قانونی به همین نام مصوب سال ۱۳۷۱ نیز ذکر شده بود و اینک

تصویب کنندگان شیوه‌نامه انضباطی جدید، آن را در ماده ۹۱ شیوه‌نامه بازگو کرده‌اند. وانگهی، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۵۷۸ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ در موردی مشابه (کمیسیون ماده صد شهرداری) تشدید حکم بدوی را بدون اشکال دانسته است. در بخشی از این رأی می‌خوانیم «مطابق تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ برای شهرداری و مالک، حق اعتراض به آرای کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری در فرجه مقرر پیش‌بینی شده است. با توجه به حکم قانونی مذکور، در فرضی که کمیسیون تجدیدنظر تبصره‌های ماده صد قانون شهرداری، اعتراض شهرداری را موجه تلقی کند، تشدید مجازات تخلف ارتكابی منعی ندارد...».

می‌توان چنین استدلال کرد که قانون‌گذار ایران (بنا به هر مصلحت)، تشدید حکم بدوی در روند رسیدگی دادگاه‌های اداری را که هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، مصداق بارز آن‌ها شمرده می‌شود، جایز دانسته است و چنین جواز دربارۀ کمیته‌های انضباطی نیز جاری و ازاین‌رو حکم ماده ۹۱ شیوه‌نامه جدید همسو با مراد مقنن و اصول رسیدگی در دادگاه‌های اداری است.

۲-۲- استدلال مخالف با امکان تشدید احکام بدوی کمیته انضباطی

در مخالفت با امکان تشدید حکم در مرحله تجدیدنظر کمیته انضباطی که متضمن پاسخ‌گویی به استدلال یادشده در بالا نیز هست، چند نکته را می‌توان بیان داشت.

نخست، اگرچه به‌درستی گفته شده است «یکی از مشکلات این شیوه‌نامه، مشخص نکردن مرزهای حقوق کیفری و حقوق اداری است، این مسئله از نزدیکی حوزه تخلفات با جرائم و مجازات در حقوق کیفری ناشی می‌شود. حقوق‌دانان حقوق اداری سعی کرده‌اند دو واژه تخلف و تنبیه را به‌جای جرم و مجازات به کار ببرند. باین‌حال در حقوق ایران، هرگز مرزهای آن دو مشخص نشده است. در نوشته‌های موجود هم در خصوص تفاوت جرم و تخلف به برخی تفاوت‌های ذکرشده در قوانین که عموماً شکلی هستند، اشاره می‌شود مانند تفاوت مرجع رسیدگی، شیوه اعتراض، مرتکبین اعمال و...، اما آنچه مهم است، معیار و مبنای تفاوت این دوست که هرگز به آن پرداخته نشده است» (مرادخانی و محمودی، ۱۳۹۹: ۱۹۵). باوجوداین، اصول رسیدگی در فرایندهایی که متضمن ایراد اتهام و اعمال تنبیه و کیفر است، همانا اصول دادرسی کیفری است. به‌عبارت‌دیگر، درج حقوق متهم در قالب مواد در «قانون» آیین دادرسی کیفری نباید شبیه اختصاص آن حقوق به محاکمی مانند دادسرا و مباحثی مانند «جرم و مجازات» (در معنی اخص کلمه) را به ذهن متبادر کند، بلکه مقنن با تدوین مواد قانون آیین دادرسی کیفری، تنها حقوق متهم را در فرایند قضایی معرفی و تضمین کرده است. بدین ترتیب، آنچه با عنوان

اصول مسلم دادرسی کیفری و حقوق متهم در دادسرا معنون می‌شود، متعلق به هر شخصی است که انگشت اتهام به سوی وی اشاره دارد. این شخص ممکن است دانشجویی در دانشگاه باشد که توسط دبیر کمیته انضباطی دانشگاه مورد پرسش قرار گرفته است. گفتنی است برخی از آرای «هیئت عمومی» دیوان عدالت اداری نیز گواه موارد بالاست. برای مثال، این هیئت در ابطال بخشی از آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی به دلیل اطلاق در تخییر مرجع تجدیدنظر مبنی بر تشدید احکام بدوی، به ماده ۲۵۸ قانون وقت آیین دادرسی کیفری (مصوب سال ۱۳۷۸) به‌عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی کیفری استناد کرده است (آرای شماره‌های ۶۶۴-۶۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری) (خزانی، ۱۳۷۰: ۱۸ به بعد).

این ماده در زمان صدور رأی، معتبر بوده است و از نظر مضمون، دقیقاً همان مفاد ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ را مورد حکم قرار می‌دهد. طبق ماده اخیر «دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته [است] و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند».

افزون بر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، درباره منع تشدید حکم در مرحله تجدیدنظر در مراجع شبه قضایی، آرای متعددی از «شعب دیوان عدالت اداری» نیز صادر شده که مبنای استدلال را مقررات قانون آیین دادرسی کیفری قرار داده است. برای مثال، شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت از رأی صادره از یکی از مراجع شبه قضایی، بر تعمیم اصول دادرسی کیفری به فرایند رسیدگی مراجع اداری تأکید کرده است. در اسباب موجهه رأی این شعبه و سپس منطوق آن می‌خوانیم: «از آنجاکه اولاً شعبه تجدیدنظر در مواقعی که محکوم‌علیه از رأی صادره از شعبه بدوی تقاضای تجدیدنظرخواهی می‌نماید، به‌هیچ‌عنوان حق تشدید مجازات را ندارد؛ زیرا تشدید مجازات با حقوق مکتسبه محکوم‌علیه منافات داشته و برخلاف مقررات آیین دادرسی کیفری می‌باشد و در ما نحن فیه برخلاف مقررات قانونی شعبه تجدیدنظر، مجازات را تشدید کرده است... شکایت شاکی وارد تشخیص [داده]، ضمن نقض رأی معترض‌عنه، پرونده جهت رسیدگی مجدد به سازمان مشتکی‌عنه اعاده می‌گردد...». این رأی طی دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۲۳۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۰۹ به تأیید شعبه اول تجدیدنظر دیوان نیز رسیده است (همچنین ن. ک به: رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۹۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ شعبه اول دیوان عدالت اداری دایر بر نقض حکم صادره از هیئت تجدیدنظر انتظامی اعضای هیئت علمی از جمله به علت تشدید بی‌مبنای

حکم بدوی آن هیئت).

دوم، حکم ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (که در بندهای بالا به آن اشاره شد) به عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی کیفری، شرایطی را برای تشدید حکم مقرر کرده است که از مفهوم مخالف آن به خوبی می توان برداشت کرد که در فرضی که تنها متهم به رأی صادره اعتراض دارد، امکان تشدید مجازات مندرج در رأی بدوی وجود ندارد. از سوی دیگر، در فرایند رسیدگی در کمیته های انضباطی دانشگاه ها معمولاً تنها دانشجویست که به حکم بدوی اعتراض دارد؛ هرچند شایسته بود که سازوکاری نیز برای اعتراض شاکی خصوصی به رأی بدوی در شیوه نامه در نظر گرفته می شد. گفتنی است که اصل نهفته در ماده ۴۵۸، مختص نظام حقوقی ایران یا مبانی فقهی آن نیست و در برخی کشورها نیز به انحای مختلف به آن اشاره شده است. برای مثال، در آمریکا با اینکه هرکدام از ایالات آن در این گونه موارد از استقلال نسبی برخوردارند، تشدید حکم در مرحله تجدیدنظر توسط قوانین ایالتی و فدرالی در مواردی منع شده است (Smith, 2014: 1).

سوم، ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که در شماره پیشین در موافقت با امکان تشدید احکام بدوی کمیته های انضباطی مورد دستاویز قرار گرفت، درباره امکان تشدید مجازات اطلاق ندارد و امکان تشدید مجازات را هرچند با بیانی ناقص و آزاردهنده، مقید به شرایطی کرده است. در این ماده، در فرض حصول مستندات جدید در مرحله تجدیدنظر، عبارت «پس از رسیدگی مجدد با توجه به کلیه جوانب امر» به کار رفته است. از سوی دیگر، اصول «رسیدگی» اقتضا دارد که در خصوص مستندات جدید نیز متهم «فرصت» و «امکان» دفاع داشته باشد. به راستی چه تفاوتی میان مستندات ابرازی در مرحله نخستین و مستنداتی که پس از صدور رأی بدوی و پیش از صدور حکم قطعی کمیته انضباطی به دست می آید، وجود دارد که دانشجوی متهم حق اطلاع و دفاع درباره گروه نخست را دارد، اما درباره گروه دوم فاقد این حقوق باشد؟ گفتنی است پنجمین اصل از اصول حاکم بر رسیدگی به تخلفات دانشجویی و مواد ۷۱ به بعد شیوه نامه جدید و همچنین، دلالت تضمینی ماده ۷۰ و تبصره ۱ ماده ۶۸ شیوه نامه به حق دفاع دانشجو در مرحله بدوی اشاره کرده است. نکته شایان توجه اینکه ماده ۹۰ شیوه نامه سابق (مصوب سال ۱۳۹۸) در حکمی شایسته در همین زمینه مقرر می داشت «مراجع تجدیدنظرخواهی نمی تواند احکام اولیه را تشدید کنند. چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروحه حاصل شده باشد، لازم است پرونده متخلف به شورای بدوی عودت و برابر ضوابط، رسیدگی و پس از صدور حکم اولیه جدید، مجدداً به وی فرصت اعتراض داده شود». چنین حکمی دقیقاً با همین مضمون در تبصره ماده ۱۹ شیوه نامه اسبق (مصوب

سال ۱۳۸۸) نیز بیان شده بود.

براین اساس، نمی‌توان ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری را به کلی صریح دانست، اما ابهام آن در خصوص شرایط تشدید حکم با در نظر گرفتن دیگر اصول حقوق کیفری به خوبی قابل رفع است و حق متهم مبنی بر دفاع در برابر مستندات جدید در مرحله تجدیدنظر، انکارناپذیر است. نکته شایان توجه اینکه، دیوان عدالت اداری در آرای متعدد (عمدتاً صادره از شعب و بعضاً صادره از هیئت عمومی) با توسل به مفهوم مخالف ماده ۲۳ یادشده، تشدید مجازات را در فرضی که مستندات جدیدی وجود نداشته یا اگر وجود داشته، به اطلاع متهم برای تدارک دفاع نرسیده، بدون وجه دانسته و رأی معترض‌عنه را نقض کرده است. برای نمونه، شعبه ۲۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در این باره رأیی مفصل (به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۴۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷) صادر کرده است که در بخشی از آن می‌خوانیم «...مستنبط از ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، اعمال تشدید مجازات نسبت به آرای غیرقطعی هیئت‌های بدوی یا آرای نقض‌شده توسط دیوان عدالت اداری، صرفاً با توجه به مستندات جدید، پس از رسیدگی مجدد با توجه به کلیه جوانب امر مجاز است. در غیر این صورت هیئت‌های تجدیدنظر فاقد امکان تشدید مجازات خواهند بود و از آنجا که استناد هیئت مشکی‌عنه به اتهام غیبت که مورد رسیدگی قبلی قرار نگرفته است، مستند جدید تلقی نمی‌گردد، در نتیجه، اقدام هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری سازمان صداوسیما در تشدید مجازات انفصال موقت ۶ ماهه متهم به مجازات اخراج و نیز با توجه به عدم رعایت قاعده فردی بودن مجازات (تناسب مجازات مربوطه)، بدون هرگونه مبنای قانونی بوده است...».

وانگهی، «منع تشدید مجازات» در مقام تجدیدنظرخواهی به گواهی جمهور حقوق‌دانان و آرای متعدد دیوان عدالت اداری (که پیش‌تر به برخی از آن‌ها اشاره کردیم) یک «اصل» مسلم شمرده می‌شود و «امکان تشدید آن»، خلاف اصل است. از سوی دیگر، می‌دانیم که امور استثنایی را نمی‌توان به یاری قیاس و تنقیح مناط به موارد مشابه تسری داد. پس در ما نحن فیه، حتی اگر حکم ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری را مطلق در نظر بگیریم، موضوعی است خلاف اصل که نمی‌توان آن را به روند رسیدگی کمیته انضباطی تسری داد.

چهارم، رأی شماره ۵۷۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که در شماره پیشین و در تقویت استدلال موافق با رویکرد تشدید احکام بدوی مورد استناد قرار گرفت، مربوط به فرضی است که طرف مقابل (شهرداری) نسبت به رأی بدوی اعتراض کرده باشد و این موضوع تخصصاً از بحث ما خارج است؛ زیرا بحث ما درباره فرضی است که تنها محکوم‌علیه مبادرت به اعتراض نسبت به رأی بدوی می‌کند. ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز در صورت

اعتراض شخصی غیر از محکوم علیه (یعنی دادستان یا شاکی خصوصی)، امکان تشدید حکم بدوی را (با فراهم شدن دیگر شرایط) مفهوماً ممکن دانسته است. ضمن اینکه در مقابل، آرای متعددی از سوی شعب دیوان عدالت اداری در همین فرض (کمیسیون ماده ۱۰۰) صادر و در آن به صراحت به منع تشدید حکم در مرحله تجدیدنظر اشاره شد است (رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۴۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شعبه ۳۱ تجدیدنظر؛ رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۸۲۳ مورخ ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۴۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شعبه اول تجدیدنظر؛ رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۸۱۵ مورخ ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۸۱۵ مورخ ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۸۱۵ شعبه ۳۱ تجدیدنظر؛ رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۰۶۸۵ مورخ ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۲۸۰۰۶۸۵ شعبه ۲۸ تجدیدنظر؛ رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۵۷۰۱۰۶۹ مورخ ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۵۷۰۱۰۶۹ شعبه ۷ تجدیدنظر و ...).

پنجم، قیاس اولویت نیز در منع تشدید احکام تنبیهی نباید مغفول واقع شود. در دادرسی «مدنی» که ارتباط بیشتری با اموال (و ارتباط کمتری با آزادی و حقوق مدنی) دارد، «در فرضی که تنها محکوم علیه نسبت به رأی صادره از دادگاه عمومی حقوقی تجدیدنظرخواهی می‌کند»، بدترین حالت ممکن، رد تجدیدنظرخواهی اوست (ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹) و مرجع تجدیدنظر حق افزایش محکوم به را ندارد. جالب اینکه، قانون یادشده درحالی که تبدیل «حکم بی‌حقی خواهان» به «قرار» را در مرجع عالی ممکن دانسته است (ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی)، درباره حالت عکس آن (یعنی تبدیل قرار به حکم) سکوت کرده است. برخی نویسندگان معتقدند علت سکوت مقنن در این باره این است «حکم»، اعتبار امر مختوم را دارد و از این لحاظ نسبت به حالت قبلی تجدیدنظرخواه، بدتر و وخیم‌تر شمرده می‌شود (نهرینی، ۱۳۹۰: ۳۱۴-۳۱۶؛ شریفی، ۱۴۰۰: ۲۱۶ و ۲۲۰؛ شمس، ۱۳۸۹: ۷۵). پس در فرضی که رأی دادگاه عمومی حقوقی به صورت «قرار» (مثلاً قرار عدم استماع دعوا) صادر و سپس مورد تجدیدنظرخواهی محکوم علیه قرار می‌گیرد و قضات دادگاه تجدیدنظر، آن را حکم (بی‌حقی خواهان بدوی) بدانند، حق تغییر و اصلاح حکم را نخواهند داشت. براین اساس و با استمداد از قیاس اولویت می‌توان گفت در امور اتهامی و تنبیهی به طریق اولی نمی‌توان وضعیت تجدیدنظرخواه را نسبت به زمان پیش از اعتراض بدتر کرد. «هنر عدالت کیفری در این نیست که همه گناهکاران به مجازات برسند، بلکه در آن است که هیچ بی‌گناهی مجازات نشود».

ششم، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در موردی کاملاً مشابه با ما نحن فیه (امکان تشدید حکم بدوی به شرح آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی به صورت علی‌الطلاق) در آرای شماره‌های ۶۶۴-۶۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ با موضوع «ابطال اطلاق ماده ۲۵ و ابطال ماده ۳۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی»، بیان داشته است «مطابق ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ مقرر شده است دادگاه تجدیدنظر

نمی‌تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم بدوی کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر کرده [است] و این امر مورد اعتراض شاکی تجدیدنظرخواه یا مقامات مصرح در ماده ۲۳۵ قانون یادشده قرار گیرد، در این موارد مرجع تجدیدنظر با تصحیح حکم بدوی نسبت به مجازاتی که قانون مقرر داشته [است] اقدام خواهد نمود. نظر به اینکه در ماده ۲۵ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی، در مواردی که مجازات کمتر از حداقل مقرر قانونی تعیین شده باشد، علی‌الاطلاق به شعب تجدیدنظر اجازه تشدید مجازات اعطا شده است و لیکن در قانون، این امر به رعایت جهاتی مقید شده است، بنابراین اطلاق آن به دلیل مذکور مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، حکم به ابطال آن صادر می‌شود».

۳- امکان تشدید حکم بدوی بدون فراهم شدن فرصت و امکان دفاع برای دانشجو

دومین ایراد مربوط به حکم ماده ۹۱ این است که این حکم به صورت مطلق بیان شده است و دست کم در برخی مصادیق و موارد، چهره‌ای ناشایست از روند رسیدگی را ارائه خواهد داد. برای مثال، در ماده ۴۹ شیوه‌نامه جدید (ارتکاب قمار و تجاهر به آن) می‌خوانیم «قمار عبارت است از انجام بازی همراه با شرط برد و باخت که در آن بازنده موظف به تأدیه شرط به نفع برنده باشد. چنانچه این عمل به شکل مکرر، علنی و با جسارت انجام گردد، تجاهر به قمار است. در صورتی که متخلف صرفاً مرتکب قمار گردد به یکی از تنبیهات بندهای ۱ تا ۴ و چنانچه تجاهر به قمار داشته باشد، به یکی از تنبیهات بندهای ۶ تا ۱۱ محکوم می‌شود و در صورت تکرار، تنبیهات تا بند ۱۵ قابل تشدید است».

اکنون فرض کنیم دانشجویی در مرحله بدوی به اتهام «ارتکاب قمار» به تنبیه بند ۴ (توبیخ کتبی با درج در پرونده) محکوم شود و پس از تجدیدنظرخواهی وی، گزارشی که صرفاً در اثر تشابه اسمی به وی منتسب شده است، در جلسه کمیته تجدیدنظر (که معمولاً بدون حضور دانشجو برگزار می‌شود) ارائه شود که در ظاهر نشان دهد دانشجو در آن خصوص «تجاهر» یا سابقه محکومیت داشته است و بر اساس آن، طی رأی قطعی به مجازات شدیدتری (مثلاً بند ۱۰) محکوم شود. این در حالی است که اگر دانشجو «فرصت» و «امکان» دفاع در برابر مستندات جدید را می‌یافت، می‌توانست به سادگی و با تذکر تشابه اسمی، از تشدید مجازات مندرج در حکم بدوی جلوگیری کند.

براین اساس، به فرض هم که بتوان اصل امکان تشدید حکم بدوی در مرحله تجدیدنظر را پذیرفت، باید دانست این امر بدون فراهم کردن فرصت و امکان دفاع در برابر ادله جدید، ایرادی

جداگانه و جدی شمرده می‌شود (شمس، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

۴- راهکارهای ممکن در وضعیت کنونی

آنچه تاکنون بیان شد، انتقاداتی نسبت به حکم ماده ۹۱ شیوه‌نامه جدید بود و آنچه در برهه کنونی با آن روبه‌رو هستیم، همان ماده در وضعیت ناشایست کنونی است. در این وضعیت و تا زمانی که ماده مزبور اصلاح نشده است، برای جلوگیری از پیام‌های نامطلوب آن، راهکارهایی به ذهن می‌رسد، اما پیش از بیان آن‌ها توجه به دو نکته ضروری است.

نخست، این راهکارها در راستای اصلاح و مقابله با ایراد دوم و در واقع با فرض پذیرش امکان تشدید حکم بدوی است. به عبارت دیگر، همان‌طور که گفته شد، ماده ۹۱ از دو بعد مورد نقد است. یکی، اصل امکان تشدید مجازات بدوی و دیگری، امکان تشدید مجازات بدون رعایت اصل تناظر و اعطای حق دفاع به دانشجو در برابر مستندات جدید. راهکارهایی که بیان می‌شود تنها مربوط به معضل دوم است و معضل نخست تا زمان اصلاح شیوه‌نامه توسط تصویب‌کنندگان، پابرجا خواهد بود.

دوم، «مطرح شدن اتهام جدید» را نباید مصداقی از تشدید مجازات مندرج در حکم بدوی دانست؛ ولو آنکه با اتهام قبلی زمینه‌های مشترکی نیز داشته باشد یا بتواند از حیث قواعد تکرار یا تعدد، کیفیت مشدده شمرده شود. در واقع، «کیفیت مشدده» مفهومی است که در اصل نحوه تعیین مجازات در مرحله بدوی مطرح می‌شود و ارتباطی به بحث حاضر (تشدید مجازات بدوی در مرحله تجدیدنظر) ندارد. بنابراین، در صورت تشخیص اتهام جدید پیش از مرحله تجدیدنظر، لازم است مطابق با روال عادی، پرونده از ابتدا در دبیرخانه کمیته تشکیل و از دانشجو برای تفهیم اتهام، دفاع و اخذ توضیحات دعوت به عمل آید و سپس رأی بدوی در این باره صادر شود. بدیهی است این رأی ممکن است با لحاظ رأی قطعی در پرونده پیشین، بر اساس کیفیات مشدده انشا شود. عبارت‌پردازی‌های ماده ۹۱ نیز گواه این معنا است. این ماده مقرر می‌دارد «چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک، ادله و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروحه دریافت شود...»؛ چنانکه مشاهده می‌شود این ماده اشعاری بر لحاظ کردن اتهام جدید ندارد. در واقع، «مدارک و ادله جدید» موضوعی متفاوت با «اتهام جدید» است؛ ضمن اینکه اصل تفسیر مضیق امور استثنایی نیز در این باره یاری‌رسان است «تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر امری خلاف اصل است و لذا باید آن را به‌طور محدود تفسیر کرد».

در ادامه راهکارهای قابل انجام در وضعیت کنونی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- تفسیر و اجرای ماده ۹۱ شیوه‌نامه در پرتوی تبصره ۲ ماده ۹۰ آن

نخستین راهکاری که در وضعیت کنونی به ذهن می‌رسد عبارت است از اینکه ماده مورد بحث در پرتوی تبصره ۲ ماده ۹۰ شیوه‌نامه جدید اجرا شود. ماده ۹۰ و تبصره ۲ آن به ترتیب مقرر می‌دارند: «کمیته تجدیدنظر باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از دریافت اعتراض یا ارجاع پرونده، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.» «در صورتی که صدور حکم تجدیدنظر متوقف به حصول مدارک یا انجام تحقیقاتی باشد، موضوع صورت جلسه شده و تا حداکثر ظرف مدت دو هفته، اقدامات لازم توسط دبیرخانه جهت تکمیل پرونده انجام شود.» اکنون بر اساس تبصره ۲ می‌توان گفت حصول «مدارک، ادله و مستندات جدید» به گونه‌ای که در ماده ۹۱ به آن اشاره شده، یکی از مصادیق وضعیت‌هایی است که به تعبیر تبصره ۲ ماده ۹۰ «صدور حکم تجدیدنظر متوقف به انجام تحقیقات» است و این تحقیقات به اقتضای طبع ذاتی و اداری خود، متضمن اطلاع یافتن دانشجو از مستندات جدید و فراهم شدن فرصت پاسخ‌دهی به آن‌هاست.

۴-۲- تفسیر ماده ۹۱ بر اساس اصول کلی دادرسی کیفری و مخصص‌های عقلی و لّبی

راهکار دیگری که در طول راهکار پیشین شایان اجراست عبارت است از اینکه اطلاق ماده مزبور با قیود نهفته در دیگر اصول دادرسی کیفری و مخصص‌های لّبی (که در شماره‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفت) مهار شود و بر این اساس، کمیته مرکزی وزارت علوم و همچنین، کمیته مرکزی وزارت بهداشت، هر کدام به‌طور جداگانه و با استفاده از اختیارات حاصل از بند ذ ماده ۹۴ شیوه‌نامه، در دستورالعملی جداگانه در تبیین ماده ۹۱ مورد بحث، مراتب را به دانشگاه‌های ذی‌ربط اعلام کنند. در این دستورالعمل باید به حق دانشجو مبنی بر اطلاع از مستندات و مدارک جدید و فراهم شدن امکان پاسخ‌گویی به آن ادله آن هم در مدتی معقول و متعارف پیش از صدور رأی قطعی تأکید شود؛ هر چند چنین پیشنهادی تنها بخشی از معضلات ماده ۹۱ را درمان می‌کند و ایراد اساسی این ماده مبنی بر اصل امکان تشدید حکم بدوی در کمیته تجدیدنظر تا زمان اصلاح اصل شیوه‌نامه توسط وزارت‌های مربوط پابرجا خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

حکم ماده ۹۱ شیوه‌نامه جدید انضباطی مصوب سال ۱۴۰۱ از دو جهت مورد نقد است. یکی، اصل امکان تشدید مجازات بدوی و دیگری (با توجه به اطلاق ظاهری آن)، امکان تشدید مجازات «بدون فراهم شدن فرصت و امکان دفاع برای دانشجو» در برابر مستندات و ادله جدید. ایراد نخست با توجه به نحوه و مراجع تصویب‌کننده شیوه‌نامه تا زمانی که اصل شیوه‌نامه

اصلاح نشود پابرجاست و تا آن زمان ناگزیر باید قائل به اصل امکان تشدید حکم در روند رسیدگی کمیته انضباطی تجدیدنظر باشیم. در این خصوص اکیداً پیشنهاد می‌شود که ماده ۹۱ شیوه‌نامه کنونی توسط وزرای مربوط به شرح زیر اصلاح شود.

«مراجع تجدیدنظرخواهی نمی‌توانند احکام اولیه را تشدید کنند. چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروح حاصل شده باشد، لازم است پرونده متخلف به شورای بدوی عودت و برابر ضوابط، رسیدگی و پس از صدور حکم اولیه جدید، مجدداً به وی فرصت اعتراض داده شود».

ایراد دوم (امکان تشدید حکم بدون فراهم شدن فرصت و امکان دفاع برای دانشجو) با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی کنونی و نیز دیگر مواد شیوه‌نامه قابل اصلاح است. بر این اساس باید گفت که اطلاق ظاهری ماده ۹۱ قابل اعتماد نیست و نباید به این ظاهر وفادار ماند، بلکه باید ماده یادشده در پرتوی تبصره ۲ ماده قبل خود (ماده ۹۰) و نیز اصول مسلم دادرسی کیفری مبنی بر حق متهم مبنی بر اطلاع از ادله مثبت و حق دفاع در برابر آن ادله تفسیر و اجرا شود. پیشنهاد می‌شود تا زمانی که شیوه‌نامه توسط وزارتخانه‌های مربوط اصلاح نشده است، کمیته مرکزی وزارت علوم و نیز کمیته مرکزی وزارت بهداشت، هر کدام به‌طور جداگانه و با استفاده اختیارات حاصل از بند ذ ماده ۹۴ شیوه‌نامه، در دستورالعملی جداگانه در تبیین ماده ۹۱ مورد بحث، متن زیر را تصویب و به همه دانشگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ کنند.

«بدین وسیله در راستای اجرای ماده ۹۱ شیوه‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۴۰۱ مقرر می‌دارد که چنانچه پس از صدور حکم اولیه و پیش از صدور حکم تجدیدنظر، مدارک، ادله و مستندات جدیدی در خصوص تخلف مطروح دریافت شود، روند رسیدگی تجدیدنظر موقتاً متوقف و مراتب توسط دبیر کمیته تجدیدنظر به دانشجو ابلاغ می‌شود تا چنانچه در خصوص ادله جدید دفاعی دارد آن را کتباً ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، به دبیرخانه کمیته انضباطی ارائه کند. با انقضای مدت یادشده، اعم از آنکه لایحه دانشجو واصل شده یا نشده باشد، پرونده در مرجع تجدیدنظر به جریان می‌افتد و این مرجع عنداللزوم می‌تواند با توجه به مدارک جدید و لایحه احتمالی دانشجو، نسبت به تشدید رأی بدوی اقدام کند. مفاد این دستورالعمل منافاتی با تبصره ماده ۸۹ شیوه‌نامه در خصوص امکان دفاع حضوری دانشجو در کمیته تجدیدنظر ندارد».

کتابنامه

- اسکافی، ابراهیم (۱۳۹۸). *نقدی بر شیوه‌نامه انضباطی جدید*، نشریه گفت‌وگو، شماره ۸۲، صص. ۱۲۸-۱۳۵.
- بیرامی، منصور (۱۳۸۹). *مقایسه ویژگی‌های شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان دارای پرونده در کمیته انضباطی دانشگاه با دانشجویان عادی*، نشریه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، شماره ۱۷.
- جباری، مصطفی (۱۳۹۲). *ماهیت حقوقی ورقه امتحان و آثار مترتب بر آن*، نشریه دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۳.
- خالقی، علی (۱۴۰۰). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۱۸، تهران: شهر دانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۰). *اثر انتقالی پژوهش در احکام کیفری*، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). *منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷.
- شریفی، علیرضا (۱۴۰۰). *تغییر توصیف رأی دادگاه تالی در مراجع عالی*، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۶.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۹). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، جلد ۲، چاپ ۲۲، تهران: دراک.
- قلمکار، حنیف (۱۳۹۱). *بررسی جایگاه حقوقی کمیته‌های انضباطی در دانشگاه‌ها؛ کمیته‌هایی با قدرت نامحدود*، نشریه شهر قانون، شماره ۳.
- قوه قضائیه (پژوهشگاه). سامانه ملی آرای قضایی (<https://ara.jri.ac.ir>).
- لطیفی، میثم؛ چگین، میثم؛ فرجی، محسن (۱۳۸۹). *الگوی عملکرد شوراهای کمیته انضباطی دانشجویی؛ رویکردی داده‌بنیاد*، نشریه راهبرد فرهنگ، شماره‌های ۱۰ و ۱۱.
- مرادخانی، فردین؛ محمودی، جواد (۱۳۹۹). *تحلیلی انتقادی بر شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان*، نشریه حقوق اداری، شماره ۲۴.
- میکائیلی منیع، فرزانه؛ مددی امام‌زاده، زهرا (۱۳۸۷). *بررسی رابطه هوش هیجانی اجتماعی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان دارای حکم انضباطی و مقایسه آن با دانشجویان بدون حکم دانشگاه ارومیه*، نشریه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، شماره ۱۱.
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۰). *تشخیص ماهیت و نوع رأی دادگاه، مطالعات حقوق خصوصی*، شماره ۲.

Law Journal, 66(1), 53-66. <https://doi.org/10.1017/S0008197307000025>.

Smith, Jessica (2014). Limitations on a More Severe Sentence after a Successful Appeal or Collateral Attack, University of North Carolina: UNC School of Government. <https://www.unc.edu>.